

اهمیت و جایگاه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بر

ترویج و آموزش کشاورزی

● مهندس محمدهادی امیرانی

■ چکیده

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در بخش کشاورزی در زمینه رشد و توسعه کشاورزی روندی مثبت دیده می‌شود. اما با این حال در مقایسه با شاخصها و معیارهای بین‌المللی، این روند، چندان رضایتبخش و اطمینان‌آفرین نیست. البته این مسأله ناشی از اشکالات متفاوت دیگری است که ریشه آنها تنها در بخش کشاورزی نیست. بلکه، مجموعه کنشها و واکنشهای اقتصادی، اجتماعی و فنی حاکم بر سایر بخشهای اقتصادی کشور نیز، بر عملکرد کشاورزی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم (مثبت و منفی) دارد.

حل مسائل و معضلات مبتلا به بخش کشاورزی، در گرو سامان بخشیدن به مسائل درون بخشی و سالم سازی روابط بین بخشی است. تنها هنگامی می‌توان به یک کشاورزی شکوفا و توسعه یافته دست یافت که کلیه عوامل و مسائل را در کنار هم و در یک برنامه فراگیر و جامع مورد تحلیل و بررسی قرار داد و به رفع مشکلات و معضلات پرداخت.

هر نوع تحقیق و پژوهش پیرامون مسائل درون بخشی کشاورزی، هنگامی می‌تواند به سرعت به کاربرد دستاوردهایش بپردازد که در ارتباط با ساخت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... جوامع روستایی طراحی و اجرا شود.

طراحی و اجرای مناسب و مطلوب ترویج و آموزش کشاورزی که کلید توسعه کشاورزی محسوب می‌شود، نیازمند توجه و نگرشی عمیق بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع روستایی است، تا بتواند کارایی مؤثری داشته باشد. در غیر این صورت، این نظام ترویجی، تأثیر چندان مثبتی بر بخش کشاورزی نخواهد داشت.

■ مقدمه

مسأله توسعه روستایی و عناصر مربوط به آن، همواره (چه در گذشته و چه در حال حاضر)، مورد توجه خاص برنامه‌ریزان کشور بوده است و می‌باشد. به ویژه در روند اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران، توسعه روستایی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. ولی در باره چگونگی توسعه مطلوب روستاها، به نحوی که مورد خواست روستاییان و مناسب شرایط توسعه همه جانبه کشور باشد، نظرات متفاوت و گوناگونی توسط دولتمردان، برنامه‌ریزان و صاحب نظران ابراز شده است. به همین جهت یک مجموعه مدون که در حقیقت یک الگوی مطلوب توسعه

شناختن و شناساندن صحیح نظامهای آموزشی، ترویجی و ارائه طرحی مناسب که پاسخگوی نیازهای حال و آینده کشور باشد، در حقیقت یک اقدام ضروری، حیاتی و اصیل در قالب هر نوع نظام‌گزیده شده مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای کشور می‌باشد.

با توجه به این که ارائه هر گونه طرح و نظام آموزشی مناسب، وقتی موفق و پویاست که با کلیه عناصر و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف روستایی تطابقهای روانشناختی لازم را داشته باشد، در این مقایسه، سعی شده است، اهمیت و جایگاه این ساختارها بر ترویج و آموزش کشاورزی ترسیم و مشخص

روستایی به حساب آید که بر آن اساس بتوان تمامی مناطق روستایی کشور را با خصلتها و ویژگیهای خاصی در مسیر یک توسعه همه جانبه و فراگیر تحت پوشش قرار داد، عملاً تا کنون تنظیم و تدوین نشده است. آنچه که می‌توان در مجموعه نظرات ابراز شده در زمینه توسعه روستایی به عنوان یک فصل مشترک یا دیدگاه مشابه بر آن قائل شد، همانا برنامه‌ریزی و کوشش و تلاش عملی و فنی است که برای ارتقای سطح آگاهیها، دانش تجربی و بالاخره، مهارتهای فنی روستاییان و کشاورزان به کار گرفته می‌شود. ضرورتاً این امر باید در کلیه زمینه‌هایی باشد که عناصر تشکیل دهنده یک زندگی مطمئن و شایسته را برای روستاییان فراهم سازد.

شود.

به رغم این اعتقاد که بخش کشاورزی کشور توان بالقوه خودکفایی در تولید و تأمین بسیاری از نیازهای غذایی و مواد خام را، حتی با توجه به رشد معقول جمعیت، برای دهه‌های آینده داراست، اما، هنوز نشانه‌هایی بارز، مشخص، عملی، کافی و مداوم در این زمینه دیده نمی‌شود. توجه رهبران سیاسی، اقتصادی کشور و برنامه‌ریزان دستگاهها و نهادهای اجرایی و حمایتی به بهبود وضعیت کشاورزی و افزایش تولید و از طرفی دستاوردهای نه چندان مناسبی که در این زمینه حاصل شده است، حکایت از مشکلات بنیادی و اساسی در بخش کشاورزی و روستایی کشور دارد.

گرچه پس از انقلاب اسلامی ایران، روندی مثبت در زمینه رشد و توسعه کشاورزی دیده می‌شود، اما با این حال در مقایسه با شاخصها و معیارهای بین‌المللی و حتی در برخی از موارد مقایسه با کشاورزی کشورهای جهان سوم، این روند چندان رضایتبخش و اطمینان‌آفرین نیست. این دشواری عمده، خود ناشی از اشکالات متفاوت دیگری است که ریشه آن تنها در بخش کشاورزی نیست، بلکه مجموعه کنشها و واکنشهای اقتصادی، اجتماعی و فنی حاکم بر سایر بخشهای اقتصادی کشور نیز بر عملکرد کشاورزی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم (مثبت و منفی) دارد. حل مسائل و معضلات بخش کشاورزی در گرو سامان‌بخشیدن به مسائل درون‌بخشی و سالم‌سازی روابط بین بخشی است. در این زمینه، اگر توجه خود را به مسائل اساسی و بنیانی معطوف داریم و با نگرشی نظام‌دار مسأله را مطرح سازیم، ناگزیر باید این اصل را بپذیریم که در انجام اقدامات ذهنی، مجرد و آزمون نشده و پژوهشهای موردی و پراکنده، به هیچ وجه کارگشا نخواهند بود. تنها هنگامی می‌توان به یک کشاورزی شکوفا و پیشرو دست یافت که کلیه عوامل و مسائل در کنار هم و در یک برنامه فراگیر و جامع مورد، تحلیل و بررسی قرارگیرد و با نگرشی جامع‌تر به رفع اشکالات و معضلات پرداخته شود.

از این دیدگاه، اگر اهداف عمده بخش کشاورزی را در آینده‌های میان مدت خلاصه نماییم، می‌توان افزایش تولید، حصول به

خودکفایی نسبی، ایجاد اشتغال در سطحی معقول، افزایش درآمد کشاورزان و کاهش فاصله کسب درآمد نسبی گروههای اجتماعی در روستاها را مشروط به حفظ عوامل تولید تجدیدناپذیر (به ویژه منابع آب و زمین) در زمره اهداف اصلی و عمده به حساب آورد.

این اهمیت و کلیت است که انجام پژوهش ژرف و عمیق را در زمینه توسعه کشاورزی از اولیوی خاص برخوردار می‌سازد. هر نوع تحقیق پیرامون مسائل درون بخشی کشاورزی، هنگامی می‌تواند به سهولت به کاربرد دستاوردهایش بپردازد که مرتبط با ساخت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه روستایی طراحی و اجرا شده باشد. بنابر آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، از کل جمعیت ایران، حدود ۴۸ درصد در جوامع روستایی به امور کشاورزی و فعالیتهایی مرتبط با این امور اشتغال دارند. کشاورزی در ایران، شامل: مجموعه فعالیتهای عظیم و دشواری است که در بیش از ۶۰ هزار واحد تولیدی به نام روستا و چندین هزار واحد بهره‌برداری مستقل به نامهای دیگر انجام می‌گیرد. ده یا روستا که واحد خدمات‌رسانی به مجموعه فعالیتهای کشاورزی درون خود است، واحدی است، بسیار متغیر و ناهمگن، که از نظر مساحت، بین چند هکتار تا صدها هکتار و از نظر نیروی کار و جمعیت بین چند خانوار و چندین صد خانوار متغیر است. دهات و مناطق روستایی ایران، به لحاظ شرایط و خصوصیات اقلیمی (کمی آب، کوهستانی بودن، بیابانهای پهناور و ...) وضعیت خاص و متفاوتی دارند. به طوری که در روستاهای ایران، ضمن پراکندگی فراوان، جمعیت کمی ساکن هستند (به جز شمال ایران). فاصله آبادیها در مناطق روستایی گاه به صدها کیلومتر می‌رسد. به همین جهت، مناطق روستایی ایران، هیچ‌گاه نواحی مستقل اقتصادی، اجتماعی مهمی نبوده‌اند و از زمان گذشته، برخی از مناطق روستایی محتاج شهرها بوده‌اند. یکی از بزرگترین مشکلاتی که چنین آرایشی قضایی روستایی را بر کشاورزی تحمیل می‌کند، هزینه فوق‌العاده زیادی ارائه و کسب اطلاعات و هزینه فراوان ارائه خدمات فنی کشاورزی است که امکان برنامه‌ریزی و اجرای صحیح آن را به مقدار زیاد کاهش می‌دهد. همچنین، سطح نازل خدمات

بهداشتی، آموزشی، فرهنگی، رفاهی، ترابری و حمل و نقل و ... که خود نتیجه این پراکندگی جغرافیایی است، باعث نیست شدن پیوندهای انسانی با محیط شده و نهایتاً، تزلزل کشاورزی و تولید را فراهم کرده است.

در درون روستاها: پراکندگی میان قطعات زمین در میان واحدهای بهره‌برداری، خود از عوامل مشکل‌زا به شمار می‌آید. بنابراین پژوهشهای انجام شده در ۱۳ منطقه روستایی ایران، متوسط تعداد قطعات بهره‌برداران دهقانی از ۱۹ قطعه متجاوز است. (۳، ۶)

مسأله تعداد بهره‌برداریه‌ها، روز به روز حادتر شده است، به طوری که در سال ۱۳۳۹، تعداد کل بهره‌برداریهای کشاورزی ۱،۸۷۷،۰۰۰ واحد بوده که پس از اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ به ۲،۴۸۰،۰۰۰ رسیده و نهایتاً بعد از انقلاب اسلامی ایران، این رقم به ۲،۶۵۶،۰۰۰ واحد افزایش یافته است (۳، ۷)

این شکل‌بندی، که در اثر تکنولوژی درون‌زای گذشته و الزامات فنی، عرفی و قانونی ایجاد شده، در طول زمان، سبب رشد نوعی فرهنگ و زندگی خاصی شده است که از یک سو، تغییر سریع و بدون برنامه آن، می‌تواند پیامدهای شدیداً منفی اقتصادی اجتماعی و سیاسی به همراه داشته باشد و از سوی دیگر، رها کردن آن به حال خود، بدون به کارگیری برنامه‌ریزی مناسب جهت ارائه خدمات فنی نیز، همان پیامدها را می‌تواند به صورت تدریجی و مزمن داشته باشد. بنابراین، اولین گام جهت برنامه‌ریزیهای آموزشی و ترویجی در سطح روستاها، شناخت منطقی ابعاد مسأله و سپس طراحی و اجرای هر نوع جدیدی از بوم‌آرایی منطقه‌ای، از طریق تدوین سیاستهای اجرایی آموزشی - ترویجی مناسب با خصوصیات اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی و فنی موجود جوامع روستایی می‌باشد.

یکی دیگر از مهمترین مسائل جامعه روستایی ایران، شناخت صورت‌بندیهای اجتماعی متفاوتی است که براساس نوع معیشت به وجود آمده است. در گذشته نه چندان دور، غالباً بر خورد میان دو شیوه تولید آسیایی و چادرنشینی، امری رایج بوده و تأثیر مهمی بر حیات روستایی گذاشته است (۳، ۹).

در دوره‌هایی که شیوه تولید آسیایی در ایران

● یکی از مسائلی که در زمینه نظام آموزشی - ترویجی باید بدان توجه کرد،

چگونگی استفاده از خدمات آموزشی - ترویجی

توسط گروهها و اقشار اجتماعی ساکن در جامعه روستایی است.

به طور کلی، خانوارهای روستایی را می‌توان در دو گروه اجتماعی وسیع،

یعنی: کشاورزان صاحب زمین و خوش‌نشینان تقسیم‌بندی کرد.

برنامه‌ریزی و اجرای هرگونه فعالیتهای آموزشی - ترویجی باید در پرتو ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه روستایی صورت گیرد. پس شناخت منطقی این شکل‌بندیهای اجتماعی، برنامه‌ریزان نهادها و دستگاههای ترویجی را، در تدوین و اجرای الگوهای مناسب آموزشی - ترویجی که بتوانند، پاسخگوی نیازهای کشاورزان و دامداران ساختارهای مذکور باشد، یاری خواهد رساند.

یکی از مسائلی که در زمینه نظام آموزشی -

ترویجی باید بدان توجه کرد، چگونگی استفاده از خدمات آموزشی - ترویجی توسط گروهها و اقشار اجتماعی ساکن در جامعه روستایی است. به طور کلی، خانوارهای روستایی را می‌توان در دو گروه اجتماعی وسیع، یعنی: کشاورزان صاحب زمین و خوش‌نشینان تقسیم‌بندی کرد.

گروه کشاورزان را به لحاظ اندازه زمین تحت اختیار، تکنولوژی کشت، سرگیری تولیدات نسبت به بازار و سایر عوامل، می‌توان به قشرهای فرعی، نظیر: سرمایه‌داران ارضی، دهقانان (اعم از مرفه، متوسط، خرده‌پا) بهره‌برداران تجاری، سهم‌بران و ... تقسیم‌بندی کرد.

هر یک از اقشار مذکور، به سبب ساخت طبقاتی که دارند، در دستیابی به عواید و منافع خاصی از راهبردهای توسعه روستایی در درجات متفاوتی قرار دارند. به این معنی که گروههای دهقانی خرده‌پا و کارگران زراعی در دستیابی به قدرت سیاسی و حیثیت اجتماعی و در نتیجه، بهره‌گیری از امکانات دولتی عرضه شده در روستا، در موقعیت نابرابری در مقایسه با دهقانان مرفه که تا حد زیادی ابزار تولید را در سطح ده به کنترل درآورده‌اند، قرار دارند.

این امر معمولاً با تصاحب قدرت و حیثیت اجتماعی بالاتر و درآمد بیشتر برای این گروه همراه بوده است. در نتیجه این نابرابریهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سطح روستا،

اساس منزلت اجتماعی افراد، بر مالکیت زمین استوار است و دهقانانی که زمین و حقه بیشتری دارند، از مقام و حیثیت اجتماعی والایی نیز برخوردارند. به طور کلی، در جامعه دهقانی، فعالیتهای معیشتی غالب (زراعت، باغداری و دامداری) نسبتاً توسعه یافته است. ضرورت هماهنگی در عملیات کشاورزی، سبب ایجاد نوعی همیاری و تعاون به خصوص در امور مربوط به آب و آبیاری شده است. (۴، ۱۱)

ب - ساخت اجتماعی دهقانی - کارگری

این ساخت، در سه دهه اخیر، بر اثر گسترش و توسعه صنایع در جوامع روستایی به وجود آمده و در این جامعه، ارزشهای متغیر حاکم بر جامعه دهقانی، قدر و منزلت خود را از دست داده است. تمرکز تعداد زیاد جمعیت، درآمدهای ثابت و ماهیانه، قدرت خرید نسبتاً بیشتر اهالی این کانونهای جمعیتی در مقایسه با دهقانان خرده‌پا، الگوی مصرف و سبک خانه‌سازی آنان - که برخلاف خانه‌های دهقانی از الگوی معماری شهری اقتباس شده است - موجب آن گردیده که ساخت مناسبات اجتماعی و اقتصادی این دهات با قالب روستایی آن در تضاد قرار گیرد. (همان منبع)

ج - جامعه عشایری دهقانی

وضع کلی این روستاها با اقتصاد دامداری و سلسله مراتب عشایری همراه است. زراعت در دهکده‌هایی انجام می‌شود که در دوران انتقالی از حیات چادرنشینی به زندگی دهقانی و کشاورزی قرار دارند. ماشینی‌شدن زراعت در بعضی از مناطق آغاز شد و رابطه مزدگیری برقرار شده است. در این گونه جوامع، دامداری اساس تولید می‌باشد و سلسله مراتب موجود بر اساس ساخت اجتماعی عشایری قرار دارد. (همان مأخذ)

با توجه به تنوعی که از لحاظ صورت‌بندیهای اجتماعی در جوامع روستایی ایران وجود دارد،

حاکم بود و حکومت مرکزی قدرت داشت، شهرها در حیات زراعی روستاها دخالت مهمی داشتند و امور آبیاری (جفر قنوت و شبکه‌های آبیاری و اداره آن) در روستاها، از طریق شهرها، حل و فصل می‌شد.

به طور کلی، از نظر ساخت اجتماعی با توجه به بنیادهای معیشتی آن، می‌توان انواع مختلف از ساختار اجتماعی و اقتصادی در روستاهای ایران را تشخیص داد که به شرح زیر آورده شده است:

الف - جامعه دهقان

این آبادیها، به طور عمده از طریق کشاورزی و کارگری امرار معاش می‌کنند و در برخی از این جوامع، غلبه مشاغل کشاورزی چنان بارز و تعیین کننده است که در بعضی موارد، از مناسبات و ویژگیهای یک جامعه دهقانی اثر چندانی باقی نمانده است.

عمده جوامع دهقانی، تحت تأثیر عواملی نظیر: نزدیکی به شهرها، وجود راههای ارتباطی، مرکزیت آن به عنوان مرکز دهستان و ... چهره و سیمای ویژه‌ای به خود گرفته‌اند. اساس ساخت جوامع دهقانی، از اجتماع دهقانان خرده مالک تشکیل می‌شود.

غلبه بهره‌برداری دهقانی، از ویژگیهای چنین ساختاری است. اساس اقتصاد و اجتماع تولیدات کشاورزی است که در واحدهای بهره‌برداری دهقانی خانوادگی جریان پیدا می‌کند. سه عامل فاعلیت، حاکمیت و مالکیت واحد تولیدی مربوط به خانواده بهره‌بردار است. در این گونه جوامع، معمولاً با دو جامعه دهقانی سنتی و جدید روبه‌رو هستیم، هرچند که دیدگاهها و گرایشات و مناسبات اجتماعی هر دو جامعه یکسان است، اما قابلیت‌های اقتصادی و انگیزه‌های تولیدی در ساختار اقتصادی دو جامعه فوق، تفاوت چشمگیری دارند، ابزار، ادوات و شیوه‌های بهره‌برداری متفاوت است، به علاوه، نوع تولیدات و جهت‌گیری آن نیز با یکدیگر تفاوت دارد.

گروههای فقیر روستایی دیدگاههای منفی و پرخاشگرانه‌ای نسبت به سازمانهای دولتی عرضه‌کننده نهادهای کشاورزی و خدمات ترویجی پیدا کرده‌اند.

در کشوری که اکثریت افراد در روستاها زندگی می‌کنند، اقشار اجتماع از یکدیگر فاصله زیادی دارند، درصد بیکاری پنهان به حد بالایی رسیده، میزان مهاجرت بیش از حد بوده است و صنعتی‌شدن در سطح پایینی قرار دارد، هر نوع برنامه توسعه روستایی، نظیر: اصلاح و بهبود وضع کشاورزی، سرمایه‌گذاری در بخش صنایع روستایی، بهبود ارتباطات، توسعه بهداشت، توسعه آموزشهای عمومی و ... نابرابریها در میان گروههای اجتماعی را افزایش خواهد داد.

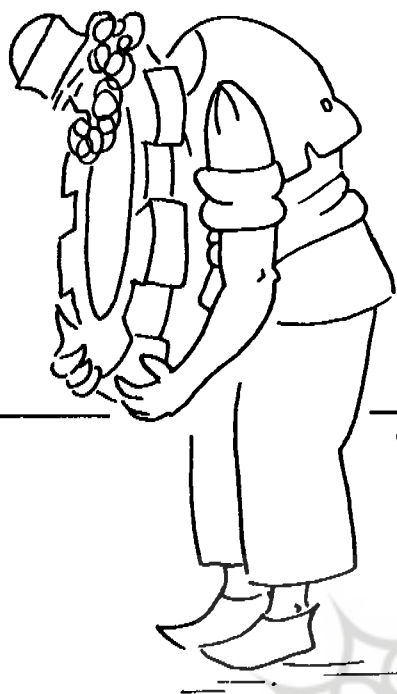
بنابه گفته "گالسکی"، تکنولوژی پیشرفته توسط گروههایی که از لحاظ اقتصادی در وضع بهتری قرار دارند، سریع‌تر جذب می‌شود (به عنوان مثال زارعان ثروتمند) و در نتیجه، فاصله اجتماعی میان گروهها افزایش می‌یابد. حتی اگر در نتیجه یک برنامه توسعه روستایی، زارعین خرد یا درآمد بیشتری نسبت به گذشته داشته باشند، باز هم مالکان بزرگ معمولاً، به افزایش درآمد سریع‌تری دست خواهند یافت و وضعیت نسبی گروههای کم‌درآمد، حتی از زمان گذشته بدتر خواهد شد. در چنین وضعیتی، منافع و عواید حاصل از اجرای برنامه‌های توسعه روستایی توسط قدرتمندان محلی و گروههای ذی‌نفع سریع‌تر جذب می‌شود و به طور معمول، این مالکان هستند که بهره‌های فراوانی از اجرای این برنامه‌های توسعه روستایی را به خود اختصاص می‌دهند نه دهقانان! (۴، ۱۸)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کشور، برنامه‌های مختلفی توسط نهادهای مختلف و متعدد در زمینه عمران و توسعه روستایی صورت گرفته است. در حال حاضر، این سوالات مطرح است که:

- آیا روند برنامه‌های توسعه کشاورزی سبب سرعت بخشیدن به روند تفاوت‌های اقتصادی میان گروههای اجتماعی شده است یا خیر؟

- تأثیر برنامه‌های توسعه کشاورزی در تغییر الگوی توزیع درآمد میان گروههای مختلف جامعه روستایی چگونه بوده است؟

- میزان مشارکت دهقانان، به ویژه دهقانان کم



فکر سوزنی

دستگاه بوروکراسی کسانی که مدیریت کشاورزی و برنامه‌ریزیها را به عهده دارند و کسانی که به فعالیتهای اجرایی در این زمینه مبادرت می‌ورزند، تا اندازه‌ای فاقد درک صحیح و واقعی از واقعیات زندگی و روندهای اجتماعی و فرهنگی اجتماعات روستایی و طرق دستیابی به آن می‌باشند. شاید نظر آنان این است که تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی ناچیزی در میان اقشار روستاییان ایران وجود دارد. این تصور، همیشه همراه با این طرز تفکر بوده است که دهقانان ایرانی فاقد هرگونه انگیزه پیشرفت و یا نوآوری هستند. تکنوکراتها معتقدند: دهقانان، تقدیرگرا و دارای روحیه عدم اعتماد در روابط شخصی با یکدیگر هستند.

با نگرشی غیر تخصصی چنین به نظر می‌رسد که هدف اصلی کشاورزی "تولید" است و هنگامی این بخش به هدف خود خواهد رسید که تمامی عوامل موجود به طریقی سازمان یافته و سازگار در جهت رسیدن به "تولید بهینه" به کار گرفته شود. اما، در عمل به دلیل قدمت و سابقه نسبتاً دیرین حاکمیت، نوعی نظام اداری و دیوان‌سالاری ناسازگار بر بخش کشاورزی و روستایی که طی سالیان طولانی بسته به شرایط روز و بعضاً مصلحت‌اندیشیهای اداری، شکل گرفته است، هدف فوق، در لابلای مجموعه

زمین در برنامه‌های توسعه کشاورزی و استفاده از خدمات آموزشی - ترویجی چگونه بوده است؟ - نظر به این که، هیچ‌گونه برنامه‌ای بدون مشارکت فعالانه مردم نمی‌تواند، به درجه‌ای از موفقیت نایل آید و مشارکت عمومی سازمان یافته از طریق دخالت دادن مردم در طرح ریزی و اجرای برنامه‌ها، تنها راه توسعه کشاورزی و روستایی به شمار می‌رود، میزان مشارکت کلی اقشار مردم روستایی در برنامه‌های اجراشده در دوران انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟

یکی از مسائل مهمی که در روند توسعه کشاورزی ایران، طی سه دهه گذشته وجود داشته است و به ساخت طبقاتی در سطوح ملی و محلی و روابط میان این طبقات مربوط می‌شود این است که ارتباط میان این گروهها بسیار ناچیز است و آرزوها و تواناییهای دهقانان به درستی به مقامات مملکتی گزارش نمی‌شود و در برنامه‌ریزیهای که معمولاً در مرکز تهیه می‌شود، منعکس نمی‌گردد و مکانیسمهای ناچیزی برای ارتباط میان توده وسیع جامعه روستایی با افرادی که در سطوح تصمیم‌گیری قرار دارند، به منظور انعکاس خواستها و علایق مردم وجود دارد. بوروکراسی و نظام اداری تنها کانال ارتباطی میان رهبران سیاس و روستاییان به حساب می‌آید و در داخل

● بنابه گفته "گالسکی"، تکنولوژی پیشرفته توسط گروه‌هایی که از لحاظ اقتصادی در وضع بهتری قرار دارند، سریع‌تر جذب می‌شود (به عنوان مثال زارعان ثروتمند) و در نتیجه، فاصله اجتماعی میان گروه‌ها افزایش می‌یابد. حتی اگر در نتیجه یک برنامه توسعه روستایی، زارعین خرده‌پا درآمد بیشتری نسبت به گذشته داشته باشند، بازهم مالکان بزرگ معمولاً، به افزایش درآمد سریع‌تری دست خواهند یافت و وضعیت نسبی گروه‌های کم‌درآمد، حتی از زمان گذشته بدتر خواهد شد.

است که پاره‌ای از اقدامات مفید مورد استفاده مطلوب قرار نگیرند. رفع این مشکلات نیازمند به بررسی دقیق جوانب فنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع روستایی است. با توجه به این ویژگی‌هاست که می‌توان برنامه‌ریزی مناسب و مطلوبی را جهت فعالیتهای ترویجی، تدوین و اجرا نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱- هرگونه تحقیق و پژوهش پیرامون نظام یا رهیافت مناسب ترویج در ایران، می‌باید واجد دو خصیصه مهم باشد. اولاً، تحقیق باید جامع‌نگر باشد، یعنی فقط قانونمندیهای حاکم بر نظام ترویج را به طور مجرد مطالعه نکند، بلکه نظام ترویج را از یک سو مرتبط با ساختار اقتصادی، اجتماعی، فنی و ... جوامع روستایی و از سوی دیگر، در ارتباط با کل بخش کشاورزی و حتی اقتصاد کشور بررسی نماید.

ثانیاً، پژوهش باید در مورد اهداف روستایی طراحی شود، یعنی: نظام آموزشی - ترویجی را فقط به دلیل شناخت و تعیین ویژگیهایش مطالعه نکند، بلکه این شناخت را با عنایت به اهداف توسعه به ویژه توسعه روستایی انجام دهد و قدرت، ضعف، تناسب و عدم تناسب نظام آموزشی - ترویجی را در نیل به آن اهداف ارزشیابی نموده، راه‌حلهای علمی و عملی ارائه نماید.

۲- به منظور تحلیل روابط علی و متقابل میان اجزا و عناصر نظام آموزشی - ترویجی ضرورت دارد، که این امر در مورد ساختار اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی، اقلیمی و ... مورد توجه قرار گیرد. مسائل بسیار زیادی در بخش کشاورزی ایران وجود دارد که یا مستقیماً به نظام آموزشی - ترویجی مربوط است یا به طریقی غیرمستقیم

کاری بی‌پایه و ناموفق خواهد بود. گرچه، مسأله افزایش جمعیت، در سطح ملی مطرح است و به بخش خاصی تعلق ندارد، اما این مسأله از چند جهت خود را به بخش کشاورزی تحمیل می‌کند، یکی آن که بخش کشاورزی باید مواد غذایی لازم را برای جمعیت رو به رشد کشور فراهم آورد. دیگر آن که، کشاورزی باید تأمین‌کننده درصد عمده‌ای از اشتغال باشد، تا بتواند از مهاجرت‌های بی‌رویه روستا به شهر جلوگیری کند.

افزایش سریع جمعیت و عدم امکان توسعه سایر نهادهای کشاورزی به همان نسبت، باعث کاهش سهم سرانه آب، زمین و تکنولوژی و در نتیجه، درآمد می‌شود و فقر حاصل از رشد بی‌رویه جمعیت را مستقیماً به روستا و بخش کشاورزی کشور تحمیل می‌کند.

بنابراین، در طراحی و برنامه‌ریزی فعالیتهای آموزشی - ترویجی، ابتدا باید روشن ساخت که نقش نظام‌های بهره‌برداری مختلف در ایجاد اشتغال مولد و سودآور درباره مسأله افزایش جمعیت چگونه است؟ نظام آموزشی - ترویجی مناسب جهت نظام‌های بهره‌برداری مطلوب و مناسب کدام است؟ با توجه به مطالبی که گفته شد، ملاحظه می‌شود که، فعالیتهای آموزشی و ترویج کشاورزی را باید با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در روستا و بخش کشاورزی برنامه‌ریزی کرد.

به طور کلی می‌توان گفت: مشکل اصلی، آن است که استفاده صحیح از منابع تولید کشاورزی در یک سیستم نظام‌دار سازگار، آزمون و طراحی نشده است! عدم توجه به ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از یک سو و سطح نازل اطلاعات فنی کشاورزی از سوی دیگر، سبب شده

قوانین و مقررات حاکم چنان گم شده است که حتماً متخصصان دلسوز و آگاه نیز به سهولت قادر به یافتن سررشته‌ها و ایجاد نظامی ساده و کارآمد برای آن نیستند.

نظام تشکیلاتی و اداری موجود در بخش کشاورزی گرفتار ناسازگارهای درونی و بیرونی است.

نظام اداری هنگامی کارآمد است که بتواند وظایف خود را با کمترین هزینه و در کوتاهترین مدت به انجام رساند.

چه نظامی دارای چنین خصوصیات است؟ این سؤال، سوالات دیگری را مطرح می‌سازد، تولیدکننده کیست؟ با چه مشخصات فنی، اجتماعی و فرهنگی به تولید می‌پردازد؟ مشکلات عمده او که از طریق نظام اداری حل و فصل می‌شود، چیست؟

واضح است که هنوز، پاسخ هیچ یک از این سوالات و دهها سؤال دیگر در این زمینه چندان مشخص نیست.

هنوز مشخص نیست که در جهت افزایش تولید بهترین واحد تولید و نظام بهره‌برداری کدام است؟ خانواده است؟ بهره‌برداری جمعی است؟ تعاونی تولید است؟ مشاعه‌های روستایی است؟ شرکتهای سهامی زراعی یا کشت و صنعتهای خصوصی یا دولتی و ... ؟

با توجه به اشکال مختلف نظام‌های اجرایی در بهره‌برداریهای کشاورزی، رهیافتهای آموزشی و ترویجی نیز در هر یک از موارد فوق ویژگی خاص خود را خواهد داشت. به عبارت دیگر، بدون آگاهی و شناخت از وضعیت نظام‌های بهره‌برداری از زمین در شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت، هرگونه اقدامی در زمینه سازماندهی نظام اجرایی در مورد آموزش و ترویج،

گرچه، مسأله افزایش جمعیت، در سطح ملی مطرح است و به بخش خاصی تعلق ندارد، اما این مسأله از چند جهت خود را به بخش کشاورزی تحمیل می‌کند، یکی آن که بخش کشاورزی باید مواد غذایی لازم را برای جمعیت رو به رشد کشور فراهم آورد. دیگر آن که، کشاورزی باید تأمین‌کننده درصد عمده‌ای از اشتغال باشد، تا بتواند از مهاجرت‌های بی‌رویه روستا به شهر جلوگیری کند.

افزایش سریع جمعیت و عدم امکان توسعه سایر نهاده‌های کشاورزی به همان نسبت، باعث کاهش سهم سرانه آب، زمین و تکنولوژی و در نتیجه، درآمد می‌شود و فقر حاصل از رشد بی‌رویه جمعیت را مستقیماً به روستا و بخش کشاورزی کشور تحمیل می‌کند.

متأثر از این امر است.

هرگونه پژوهش و برنامه‌ریزی در مورد نظام

آموزشی - ترویجی، هنگامی می‌تواند کامل و سودمند باشد که بررسی کلیه این مسائل را در برگیرد. لذا، لازم است کلیه موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد:

- شناخت انواع نظام‌های بهره‌برداری زراعی، دامی، منابع طبیعی، ... و نقش فعالیت‌های آموزشی - ترویجی در کارایی واحدهای مذکور.

- بررسی بوم‌شناختی منطقه، مشتمل بر مسائل کل جغرافیای انسانی و تأثیر آن در زمینه ترویج و آموزش کشاورزی.

- شناخت ساختار جمعیتی منطقه، مشتمل بر خصوصیات کمی و کیفی، تراکم و پراکندگی کانون‌های جمعیتی، (زیرا که در عملکرد ترویجی و نحوه سازماندهی کار ترویج مؤثر است).

- شناخت و بررسی فنون تولیدی موجود در مناطق، در سطح واحدهای بهره‌برداری سنتی، واحدهای مکانیزه نیمه مدرن دهقانی، واحدهای کاملاً نوین سرمایه‌داری ارضی و عملکرد تولیدی این قبیل واحدها و ارتباط احتمالی آن با مسائل آموزشی - ترویجی.

- شناخت درجه مکانیزاسیون و کارایی کاربرد ماشین و تأثیر ماشین‌شدن بر تولید محصولات کشاورزی و بررسی نقش ترویج در این زمینه.

- بررسی ساختار اقتصادی منطقه (انواع فعالیت‌های معیشتی، زراعت، باغداری، دامداری ...) و بررسی کشت غالب و صادرات اصلی محصولات کشاورزی منطقه.

- بررسی و شناخت چگونگی تأمین عوامل تولید، نهاده‌ها، بازاررسانی، انبارداری، ضایعات در فرایند تولید و نقش نظام آموزشی - ترویجی در زمینه‌های فوق.

- بررسی اعتبارات از نظر منابع، زمان، کارمزد، بازپرداخت و سایر شرایط موجود در مناطق جغرافیایی.

- شناخت و بررسی مسأله تعدد قطعات اراضی مزروعی و نقش نظام آموزشی - ترویجی در جلوگیری از خردشدن اراضی در اثر توارث، تقسیم، خریداری و ...

- شناخت سطوح مشارکت دهقانان در برنامه‌های ترویجی مناطق مختلف.

- شناخت و سنجش نقش سازمان‌های مشارکتی در پیشبرد اهداف نهادهای ترویج کشاورزی.

- بررسی و شناخت دشواری‌های اجتماعی ناشی از اجرای شیوه‌های ترویجی.

- بررسی و شناخت ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی در ایران و تأثیر آن بر فعالیت‌های ترویجی.

- بررسی و شناخت تأثیر نوآوری‌های سه دهه گذشته در توسعه کشاورزی مناطق روستایی.

- بررسی و شناخت مسائل و مشکلات تولید محصولات کشاورزی در واحدهای تولیدی و نظام‌های بهره‌برداری مختلف و مسایل ترویجی آن.

۳- شرایط محیطی، اجتماعی، تکنولوژیکی و فرهنگی جوامع روستایی در طول زمان دچار تحول و دگرگونی می‌شود. لذا نظام آموزشی - ترویجی می‌باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که قابلیت تطبیق با شرایط جدید را دارا بوده، نظامی مانا و پویا باشد.

□ منابع مورد استفاده

- ۱- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۴۵.
- ۲- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳- ازکیا، بدیع‌ظفر و همکاران، بررسی ساختارها و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۲.
- ۴- گالسکی، جامعه‌شناس روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا و همکاران، انتشارات روزبهان، ۱۳۴۸.
- ۵- ردواف، استیون هیگن، نیازهای دهقانان و استراتژی‌های توسعه روستایی، ترجمه علی رصوی و یاسمن قریشیان، مرکز مطالعات درون‌زا، ۱۳۵۵.

